

بررسی رابطه دیگرخواهی زنانه با برخی آیات قرآن

میترا پورسینا*

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۲

شهلا رحمانی**

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۱۶

چکیده

مقاله حاضر در نظر دارد با استفاده از یافته‌های روان‌شناختی در بستر تفسیری قرآن، به بررسی برخی آیات مرتبط با حوزه زنان بپردازد. فرضیه این مقاله بر این امر استوار است که کفه دیگرخواهی در وجود زن سنگین‌تر از کفه خودخواهی اوست. غلبه دیگرخواهی سبب ایجاد برخی توانمندی‌ها و برخی کاستی‌ها در وجود زن می‌گردد که تحلیل صحیح این ویژگی و برقراری ارتباطی شایسته با آیاتی مانند آیات ناظر بر مکر زنان، نهی از تبرج زنان، تعبیر حرث برای زن، مطرح کردن حیض و ... سبب تفسیری هم‌سو با نظام ارزشگذاری قرآن خواهد شد. پژوهش پیش رو برای اثبات فرضیه خود با مراجعه به اکثر تفاسیر مطرح در حوزه قرآنی و تلفیق مباحث تفسیری با دستاوردهای حوزه روان‌شناختی تفسیر بدیعی از آیات مذکور ارائه می‌دهد. چنین نگرشی به نفی باور رایج اکثر تفاسیر، یعنی برتری و فروتری دو جنس منتهی شده و دو جنس را مکمل یکدیگر دانسته و علت تفاوت رفتار و نگرش زن و مرد را تفاوت ساختار فیزیولوژیکی و روانی آن دو می‌داند. نگرش صحیح به این تفاوت‌ها سبب می‌شود تا هر جنس با جهت‌دهی به نقاط قوت و از بین بردن نقاط ضعف شخصیت خود به درستی از عهده ایفای نقشی که خداوند برای او در نظر گرفته برآید.

کلیدواژگان: زن، دیگرخواهی، قرآن، روان‌شناسی، حرث، حیض، مکر، تبرج.

zhpoursina@gmail.com

al_ghodso_lana@yahoo.com

* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی (دانشیار).

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

نویسنده مسئول: میترا پورسینا

مقدمه

در ساختار وجودی زن و مرد تفاوت‌هایی به لحاظ جسمی و روحی وجود دارد. ماهیت این تفاوت‌ها به گونه‌ای است که نه تنها اشتراک انسانی زن و مرد را خدشه‌دار نمی‌سازد، بلکه منتهی به پیدایش پاره‌ای تفاوت‌ها در خصوصیات فرعی آن‌ها می‌شود که خود وسیله‌ای جهت ایجاد حرکت و تحول و تکامل در عالم انسانی است. آیات قرآن در عین پذیرش این تفاوت‌ها، آن‌ها را منشأ ارزشگذاری ندانسته و تقوی را ملاک تقرب به خداوند متعال می‌داند. شناخت این تفاوت‌ها و آگاهی از فلسفه ایجاد آن‌ها تفکرات نادرست برتری و فروتری هر یک از دو جنس را از بین می‌برد و زندگی زیباتری را برای انسان رقم می‌زند.

یکی از این تفاوت‌ها که از زاویه دید این مقاله، رقم‌زننده محوری‌ترین و اصلی‌ترین تفاوت بین زن و مرد است ویژگی «دیگرخواهی» است. خداوند سرمایه اولیه «محبت» و «دیگرخواهی» را به صورت استعدادی عاطفی در اختیار نوع بشر اعم از زن و مرد قرار داده است؛ اما با توجه اینکه زن مظهر جمال الهی است و جمال توأم با لطافت و عطوفت و مهربانی است، این سرمایه در زن تجلی بیش‌تری یافته و خمیرمایه اصلی وجود زن قرار گرفته و در تمام شؤون او نمایان است. اهل معرفت بر این باورند که اگر انسان بتواند با ریاضت‌های نفسانی، حب نفس را از دل بیرون کند، به هر مقدار که دل از خودخواهی خالی شود، خداخواه می‌گردد (موسوی خمینی، بی‌تا: ۳۲۹). از سوی دیگر، در صورت عدم هماهنگ‌سازی ویژگی «دیگرخواهی» با معیارهای عقلی و تربیت صحیح، برخی صفات و رفتارهای منفی در زنان بیش‌تر مجال نمود می‌یابد که در این میان می‌توان به تجسس و دخالت‌های ناروا، حسادت، خودنمایی، تزلزل فکری، وابستگی مفرط به دیگران و بی‌ثباتی شخصیت اشاره کرد.

در عالم مردان نمود «دیگرخواهی» کم‌تر از زنان بوده و در حالت طبیعی غلبه «خودخواهی» در نهاد آنان بیش‌تر از زنان است. این توجه به خود، علاوه بر جنبه‌ها و جلوه‌های مثبت، مانند اعتماد به نفس، تکیه بر یافته‌های فکری و توانمندی‌های خود، در صورت برخوردار نبودن از تربیت صحیح، زمینه را برای بروز برخی رذایل اخلاقی آماده می‌کند. توجه افراطی به «خود» فرد را مستعد خودپرستی و صفات

منشعب از آن می‌نماید و در نتیجه فضایل اخلاقی‌ای مانند ایثار، گذشت، نوع دوستی و مهربانی، در مردان کم‌تر فرصت ظهور می‌یابند. هم‌چنین غرور مردانه اگر به افراط کشیده شود سبب لجبازی و پافشاری بر عقاید نادرست می‌گردد و فرصت بازنگری در رفتارهای منفی را کاهش می‌دهد (سادات، ۱۳۶۱ هـ: ۶۹؛ صبور اردوبادی، ۱۳۸۵ هـ: ۳۷۹؛ لومبروزو، ۱۳۶۲ هـ: ۸۵؛ میرزایی، ۱۳۹۰ هـ: ۱۰۱).

اسلام کامل‌ترین ادیان الهی است و بر محور اعتدال شکل گرفته است (بقره/۱۴۳)؛ بر این اساس، هر مسلمانی باید رفتاری میانه در همه حوزه‌ها از خود بروز دهد. یافته‌های روان‌شناختی و عرفانی نیز انسانی را کامل و دارای شخصیت سالم می‌دانند که قادر به برقراری تعادل در تمام ابعاد شخصیتی خود باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷ هـ: ۲۳). بنابراین زن و مرد برای رسیدن به شخصیتی سالم، و برای صعود به مراتب عالی‌ه انسانی باید میان تمایلات زنانه و مردانه طبیعت‌شان، یا به عبارتی، ظهور اسماء و صفات جمالی و جلالی وجودشان توازن برقرار سازند.

این مقاله در نظر دارد با محور قرار دادن ویژگی «دیگرخواهی» به عنوان خصیصه‌ای که عمده‌ترین نقاط ضعف و قوت روحیات زن از آن نشأت گرفته‌اند، به بررسی برخی از آیات ناظر به تفاوت‌های تکوینی زن و مرد بپردازد و آیات را با نگرشی نو از طریق تحلیل روان‌شناختی یافته‌های تفسیری بررسی نماید.

پیشینه علمی بحث

یکی از شناخت‌های نادرست و مشکل‌آفرینی که باعث می‌گردد ناآرامی‌ها و تعاملات نامطلوبی میان زن و مرد ایجاد شود قیاسی است که میان زن و مرد انجام می‌گیرد، بدین صورت که زن با معیارها، توانمندی‌ها و ارزش‌های مردانه مورد قیاس واقع می‌شود. مطالعه در آثار تفسیری نشان‌دهنده رسوخ این طرز فکر در اکثر تفاسیر متقدم دارد و نتیجه آن تفسیر آیات ناظر بر تفاوت‌ها بر اساس باور برتری مردان بر زنان است. از این رو لازم است تفسیر صحیح این تفاوت‌ها از منظر روان‌شناختی و متون دینی بررسی شود. جست‌وجو در آثار پژوهشگران نشان از تأمل پیرامون چنین مسأله‌ای دارد که در میان آن‌ها برخی با تلفیق مناسب دو حوزه روان‌شناسی و قرآن

یا داشتن نگاهی متفاوت به برخی آیات تلاش‌های در خور توجهی داشته‌اند اما خلأ موجود در این حوزه همچنان تلاش‌های جدی بیش‌تری را می‌طلبد.

رابطه «حَرَثٌ» با ربوبیت و خالقیت زن

آیات قرآن با تشبیهی لطیف، زنان را به «کشت» و مردان را به «کشتکار» تشبیه کرده است. این تشبیه در نگاه اول شاید خوشایند زنان نباشد و حتی آن را توهین به جنس زن تعبیر کنند. از این رو با درنگی بیش‌تر بر روی آیه، سر استفاده از این تشبیه را بررسی می‌کنیم.

کلمه «حرث» مصدر و به معنای زراعت است، و به زمینی که در آن زراعت می‌شود هم گفته می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۱۲). وجه شبه «کشت» و «زن» قدرت باروری زن است. زن پرورش دهنده بذر انسان‌هاست و بقای نوع انسان مرهون مظهریت او در خالقیت و ربوبیت است. بدین ترتیب او مزرعه انسانیت است. نه تنها تکوین جسم، بلکه تعالی روح فرزند هم از زمان صورت‌بندی در رحم مادر آغاز می‌شود؛ بنابراین «حرث» را می‌توان محل تجلی و دمیدن روح از ناحیه خدا در انسان دانست (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۹هـ: ۴۳)

تشبیه انسان به گیاه در آیات دیگر قرآن نیز نمود دارد؛ مانند:

﴿وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا﴾ (نوح/۱۷)

«و خداوند شما را مانند گیاهی از زمین رویانید»

در این آیه خداوند انسان را به گیاهی تشبیه نموده که از زمین روئیده می‌شود. این تعبیر در مورد انسان بسیار پر معنی است و نشان می‌دهد که کار خداوند در مسأله هدایت همچون کار باغبان است که بذرهای گیاهان را در محیط مساعد قرار می‌دهد تا استعدادهای نهفته آن‌ها شکوفا گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴هـ ج ۲۵: ۷۷). شاید به دلیل بر خورداری زن از همین قابلیت، او را به کشت تشبیه کرده است؛ زیرا زن نیز چون باغبانی فرزند را هم در رحم و هم در دامن پر مهر خود می‌پرورد. بر این اساس واژه «حرث» می‌تواند اشاره‌ای به شرایط حساس دوران بارداری زن و اهمیت این دوران در سلامت جسمی و معنوی نسل انسان نیز داشته باشد. دوران بارداری یکی از مراحل

مهم و حساس وراثت روحی است که اگر زن باردار این دوران را با آرامش جسمی و روحی سپری کند و از اعتدال خلقی و روانی لازم برخوردار گردد، زمینه مساعدی را برای تسهیل تربیت پذیری کودک در آینده فراهم می‌کند (صبور اردوبادی، ۱۳۸۵هـ: ۱۷۱).

علاوه بر مطالب فوق تدبیر در جمله «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ» مؤید چند معناست:

- به دقت در انتخاب همسر و هم کفو بودن اشاره می‌کند زیرا در ازدواج اگر قانون «کفویت» رعایت شود و زن و شوهر دستورات اسلام را رعایت کنند، هر دو با سرعت زیادی به کمال مادی و معنوی می‌رسند (مکارم، ۱۳۷۴هـ، ج ۲: ۱۴۲).

- همان‌طور که هیچ کشاورزی زمین کشاورزی را بدون مراقبت و نگهداری رها نمی‌کند چراکه نتیجه چنین کاری لم یزرع شدن زمین و فساد محصول است؛ اگر مردی به تعهدات خود در قبال تأمین آسایش و آرامش همسر خود عمل نکند منجر به آسیب رسیدن به بنیان خانواده خواهد شد (نک: مصطفوی، ۱۳۸۰هـ، ج ۳: ۱۵۶).

- «وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ» حاکی از این است که از همین محیط خانه و ارتباط صحیح می‌توانید سرمایه‌هایی برای خود و آینده‌تان داشته باشید چراکه حسن عمل و شیوه درست سیاست‌گذاری میان زن و مرد، مقدمه‌ای خواهد بود برای پای نهادن به آینده‌ای مطمئن و جهانی پاکیزه (جعفر رفیعی، ۱۳۸۴هـ: ۳۸).

- مراد از «وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ» به قرینه آیات دیگر مانند «وَمَا تَقْدِمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا» (مزمّل/ ۲۰) عمل صالح است که از مصادیق عمل صالح، بوجود آوردن فرزند صالح است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۲۱۴). از این رو برخی عقیده دارند کسی که از ازدواج امتناع می‌کند نسلی را که خداوند پشت به پشت در او قرار داده ضایع می‌کند (غزالی، ۱۳۸۶هـ، ج ۲: ۵۱).

- در میان اعضای انسان آن عضوی که توانسته استعداد این را داشته باشد که «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره/ ۳۱) را به تمامی ظهور دهد، اعضای تناسلی است (میرزایی، ۱۳۸۹هـ، ج ۱: ۹۳)، چراکه توسط این اعضاء نطفه انسان که به صورت بالقوه توانایی مظهریت اسماء و صفات الهی را دارد ایجاد می‌شود. به همین دلیل در قرآن تأکید زیادی بر حفظ غرائز جنسی و ارضای صحیح آن شده است؛ و جمله «وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا

أَنْكُمْ مُلَاقُوهُ» مؤمنان را به دقت در این امر و پرهیز از هرگونه گناه و انحراف فرا می‌خواند.

نگاه آیات به «مادری» به منزله اوج دیگرخواهی

عشق مادری موهبتی الهی و جلوه‌ای از عواطف دیگرخواهانه زن است؛ عشقی است که هرگز رو به زوال نمی‌گراید. عشق مادرانه تکلیف خطیری است که جان‌نثاری بی‌چون و چرای مادر را می‌طلبد؛ عشقی که چیزی برای عاشق نمی‌خواهد. از این رو شاید بتوان آن را دشوارترین نوع عشق دانست.

آیات قرآن برای به تصویر کشیدن مقام شامخ مادری گاه به سختی‌ها و زحمات بی‌دریغ مادر اشاره کرده و چنین می‌فرماید:

﴿...حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...﴾ (احقاف/۱۵)

«مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را بر زمین نهاد، و

[دوران] حمل و از شیر گرفتن او سی ماه است»

بارداری، زایمان، شیردهی و مراقبت از کودک مسیری برای دستیابی به بلوغ، تعالی و اشراق در زنان است. درد زایمان، بی‌خوابی‌های شبانه، نگرانی‌ها، انعطاف‌پذیری، تسلیم، بردباری و کار تمام وقت مراقبت از کودک، ریاضتی است که مادر را با سرعتی باور نکردنی به قرب خداوند نزدیک کرده و مسیر سلوک را برای او هموار می‌سازد (منجم، ۱۳۸۴هـ: ۹۴).

در آیات قرآن مادران بسیار زیبا ترسیم شده‌اند. مادر حضرت مریم سلام الله علیها، مادری که پس از سال‌ها انتظار برای به تحقق پیوستن رؤیای مادرشدن، رنج جدایی از فرزند را مشتاقانه می‌پذیرد او را نذر خدا کرده و برای خدمت به خدا از ولایت خود خارج ساخته، قیود ولایت مادر را از دوش او بر می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۱۷۰). مادر موسی علیه‌السلام که داغ جدایی از فرزند را به جان می‌خرد و به فرمان الهی جگرگوشه‌اش را به امواج خروشان نیل می‌سپارد (طه/۳۸-۳۹).

زن با کسوت مادری قدرت آفریدگاری و ربوبی خداوند را از طریق پرورش جنین و تربیت کودک به نمایش می‌گذارد و از این طریق مجلای ظهور اسمائی چون خالقیت،

ربوبیت، رازقیت، رحمت و حلم می‌گردد. جنین در دوران بارداری به مثابه امانتی در اختیار مادر قرار می‌گیرد و خداوند به شکرانه امانتداری صادقانه مادر، برای رحم مادر و آن جایگاه امانت حرمت خاصی قائل شده و میان فرزندان که از یک زن متولد می‌شوند رابطه عاطفی ویژه‌ای برقرار کرده و در فقه اسلامی احکام خاصی برای محرمیت و مناسبات رحمی اختصاص می‌دهد (نساء/۲۳). زن در نقش «مادر» مظهر وحدت بخشی و انسجام به خانواده است و همسر و فرزندان در پرتو عواطف دیگرخواهانه او به آرامش روحی می‌رسند و محیط خانه به برکت وجود او محل انس و سکونت می‌گردد.

انعطاف‌پذیری ملکه سبا در برابر سلیمان و تأثیر دیگرخواهی زنانه در رأی او

قرآن ملکه سبا را سیاستمداری خردمند و مقتدر توصیف کرده و با تصویرسازی مثبتی که از برخورد او با نامه سلیمان ارائه می‌دهد داوری او را برتر از داوری رایج و متعارف زمان می‌داند. با نگاهی به تاریخ مردان زیادی را می‌بینیم که معاصر با انبیای الهی بودند و در مقابل پیامبران الهی با غرور و لجاجت و اسارت در خودخواهی قد علم کردند. سیاستمدارانی مانند نمرود، فرعون و ... که آیات قرآن به برخی از آن‌ها اشاره کرده و موضع‌گیری آنان در برابر حق را متکبرانه و نادرست می‌داند (بقره/۲۵۸؛ اسراء/۹۰-۹۴؛ نازعات/۱۷-۲۴). اما بلقیس، فرمانروای زنی که معاصر حضرت سلیمان در سرزمین یمن بر مسند قدرت تکیه زده بود با رفتاری حاکی از ملایمت و تدبیر و به دور از خودمحوری که در اغلب سیاستمداران مرد وجود دارد (بارون کوهن، ۱۳۸۶هـ: ۳۷) سران کشور را در جریان نامه‌ای که به او رسیده قرار داد (نمل/۳۲-۳۵).

با وجود اینکه فرماندهان نظامی آمادگی خود را برای جنگ اعلام کردند اما از آنجا که طبع ظریف و زنانه او عکس‌العمل خشونت‌آمیز را برنمی‌تابید، گزینه‌های صلح‌طلبانه را مورد بررسی قرار داد (مکارم، ۱۳۷۴هـ، ج ۱۵: ۴۵۹)؛ وی ابتدا با روشی زیرکانه و با فرستادن هدایایی گرانبها در صدد پی بردن به هدف سلیمان از فرستادن نامه برآمد؛ اگر سلیمان هدایای گران‌قیمت او را می‌پذیرفت نشان از شیوه رایج سایر پادشاهان داشت که با اندک تحفه‌ای می‌توان آنان را فریفت (گنابادی، ۱۳۷۲هـ).

ج ۱: ۷۵)؛ اما زمانی که بی‌اعتنایی سلیمان را در برخورد با هدایا دید به صدق گفتار پیامبر خدا پی برد (نمل/۳۵-۳۶).

ویژگی زنانه او در این شیوه برخورد بی‌تأثیر نبوده است. بنا بر یافته‌های روان‌شناختی، دقت زنان در توجه به جزئیات سبب افزایش سرعت ادراکی ایشان می‌گردد و سبب می‌شود تا از توان بالایی در پی بردن به معانی نهفته در گفتار و کردار برخوردار گردند (پیز، ۱۳۹۱هـ: ۲۷۲؛ هاید، ۱۳۷۷هـ: ۱۵۶). بنابراین بی‌اعتنایی حضرت سلیمان به هدایای گرانبها و متاع قلیل دنیا سبب شد تا بقیس با یاری انعطاف‌پذیری و تواضع زنانه در برابر حق سر تسلیم فرود آورد. تسلیم و انقیاد در برابر اصول مذهبی علاوه بر هماهنگی با فطرت آدمی، به عنوان یک نیاز عاطفی نیز مطرح می‌شود. از این رو طبع لطیف زنانه به مذهب و امور اخلاقی گرایش بیش‌تری دارد (خراسانی، ۱۳۸۸هـ: ۹۸). با نگاه از زاویه‌ای دیگر غلبه این گرایش در زنان را می‌توان چنین تحلیل کرد که چون خودپرستی مانع اصلی خداپرستی است، زنان به علت غلبه عواطف دیگر خواهانه و داشتن روحیه متواضعانه آمادگی بیش‌تری برای «خداپرستی» نسبت به مردان دارند (صبور اردوبادی، ۱۳۸۵هـ: ۳۹۴). از سویی غلبه قوه شهودی و بینش زن بر قوه تفکر او سبب می‌شود تا زن از حکم «پرستش» در عالم دین به خوبی استقبال کند (لومبروزو، ۱۳۶۲هـ: ۴۲؛ گرت، ۱۳۸۵هـ: ۸۷).

در تحلیل روان‌شناختی انعطاف‌پذیری و تسلیم زنان، می‌توان گفت که فرایند زندگی زنان به گونه‌ای است که چاره‌ای جز تسلیم و انعطاف در برابر طبیعت ندارند. زنان در طول دوران زندگی باید به کرات خود را تسلیم رنج‌های دوران قاعدگی، بارداری و زایمان کنند. چنین فرآیندی هنگامی که با عواطف دیگر خواهانه آنان همراه می‌شود آمادگی آنان را برای تسلیم و انعطاف‌پذیری بالا می‌برد. این روحیه که همواره بر پایه از خودگذشتگی و توجه به نیاز اطرافیان شکل می‌گیرد نقش بسزایی در برقراری روابط دوستانه و سرشار از مهر در خانواده دارد و زنان با توجه به نقشی که به عنوان کانون عاطفه و مهرورزی در خانواده بر عهده دارند از چنین انفعال و تواضعی برخوردارند (گرت، ۱۳۸۵هـ: ۱۸۹) و این خصوصیت آنان را منبع قابل اطمینانی برای پرورش کودک می‌سازد (هوت، ۱۳۶۱هـ: ۱۵۱).

انعطاف پذیری و تواضع زنانه به صورت غیرمستقیم از آیه ۵ سوره مائده نیز به دست می‌آید. در این آیه تنها به مردان اجازه ازدواج با زنان اهل کتاب داده شده و در فقه اسلامی ازدواج زن با مرد غیر مسلمان حرام است. در رابطه با فلسفه این حکم مفسران علت را در غلبه عواطف زنان و تأثیرپذیری آنان می‌دانند چراکه زنان به راحتی تحت تأثیر شوهران‌شان قرار گرفته و از آیین خود دست می‌کشوند (مکارم، ۱۳۷۴ هـ ج ۴: ۲۸۳؛ قرائتی، ۱۳۸۳ هـ ج ۳: ۳۳).

روان‌شناسان اجتماعی نیز بر این باورند که زنان بیش‌تر از مردان سازگار شونده و قابل ترغیب‌اند زیرا نقش جنسیتی زنان، آنان را از لحاظ اجتماعی نفوذپذیر ساخته است (نوابی نژاد، ۱۳۷۸ هـ: ۱۰۶). مردان خیلی راحت و بدون هیچ مشکلی عقیده مخالف خود را رد می‌کنند ولی زنان ترجیح می‌دهند رفتار مسالمت آمیزی از خود نشان دهند (بارون کوهن، ۱۳۸۶ هـ: ۳۶). برخی روان‌شناسان عقیده دارند خصوصیات زنانه انسان را از استقلال شخصی محروم کرده و فرد را به سوی سازگاری و هنجارپذیری سوق می‌دهد (هاید، ۱۳۷۷ هـ: ۹۹). این امر ناشی از حس دیگرخواهی فطری در وجود ایشان است. آن‌ها می‌کوشند تا آرامش زندگی خود را حفظ کنند و با سازگاری بر بسیاری از مشکلات زندگی فائق آیند؛ از این رو خود را به تفکرات و خط مشی همسران‌شان نزدیک می‌کنند (لومبروزو، ۱۳۶۲ هـ: ۹۴). به همین علت ازدواج زنان با مردان غیر مسلمان ممکن است سبب ارتداد آن‌ها از اسلام شود (قرائتی، ۱۳۸۳ هـ ج ۳: ۳۳).

رنج حیض عاملی برای ایجاد بی‌ثباتی در زن

شخصیت و رفتار زن ارتباط تنگاتنگی با ساختار بدنی او دارد. از مسائل مهمی که زن در بخش عمده‌ای از زندگی خود با آن مواجه می‌شود دوران قاعدگی است. اهمیت این مسأله به قدری است که آیات قرآن نیز بدان پرداخته است:

﴿وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَظْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾

(بقره/۲۲۲)

ارتباط قاعدگی با دیگر خواهی را می‌توان از این منظر نگریست که قاعدگی رنجی است که زن برای مادر شدن متحمل می‌شود و بارداری زن ارتباط تنگاتنگی با قاعدگی او دارد. بنابراین اختلال در قاعدگی، اختلال در بارداری را در پی دارد. از این رو دانشمندان علم پزشکی این فرآیند را جهت آماده شدن زن برای بارداری ضروری می‌دانند (پاکنژاد، ۱۳۶۵ هـ.ج ۱۶: ۱۲۰).

مؤید قرآنی این مطلب آیه ۷۱ سوره هود است که ساره همسر حضرت ابراهیم علیه السلام با شنیدن بشارت فرزند آوری حیض می‌بیند:

﴿وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاَهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ﴾

برخی مفسران «ضحکت» از ماده ضحک- به فتح ضاء- را به معنای حیض شدن زنان دانسته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰: ۳۲۳)، با این وجود اکثر مفسران آن را به معنای «خندیدن» ترجمه کرده‌اند.

در جریان چرخه عادت ماهیانه، بدن زن با تغییرات هورمونی شدیدی روبه‌رو می‌شود که در فعالیت روانی و نحوه سلوک و رفتار زن تأثیر قاطعی دارد، و سبب کاهش آستانه تحمل او و حساس‌تر شدن وی می‌گردد. این تغییرات منظم شخصیتی، با مراحل چرخه عادت ماهیانه ارتباط مستقیم دارد و در نتیجه شخصیت زن، میان روحيات مثبت و منفی در نوسان قرار می‌گیرد. بنابراین قاعدگی تشدیدکننده نوسانات فکری و روحی زن بوده و می‌تواند در خلق و خو و تصمیم‌گیری‌های او تأثیر منفی داشته باشد و به بی‌ثباتی شخصیت زن منجر شده و از لحاظ روحی و جسمی زن را در تنگنا قرار دهد. خداوند نیز در قرآن، قاعدگی را رنجی برای زنان دانسته و از آن به «اذی» تعبیر کرده است. این در حالی است که مفسران تنها به رنج‌های جسمی قاعدگی اشاره کرده و اشاره‌ای به تأثیر قاعدگی بر روان و رفتار زن نداشته‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲: ۳۱۱). تنها تفسیری که رابطه‌ای میان حیض و بی‌ثباتی شخصیت برقرار کرده تفسیر «کشف الأسرار» است که علت حیض زنان را علم الهی به ضعف آنان در دوام طاعت و خدمت به خداوند می‌داند، و در تبیین آن بیان می‌کند که خداوند با لطف خود خواست زنان عذری موجه برای ناتوانی بر عبادت داشته باشند و از این رو آنان را به حیض مبتلا کرد (میبدی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۶۰۴).

رابطه دیگرخواهی با «مکر زنانه»

برخی مفسران آیه ۲۸ سوره یوسف را حکم و قاعده‌ای کلی برای تعمیم مکر بر تمام زنان دانسته و زلیخا را آینه‌ای می‌دانند که مکر زنان را به خوبی نشان داده است و سکوت قرآن در پندار عزیز مصر را دلیلی بر تأیید این مطلب از سوی خداوند می‌دانند (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۵۸). برخی مکر زن را عظیم‌تر از مکر شیطان دانسته و برای سخن خود به آیات ۲۸ یوسف و ۷۶ سوره نساء استدلال می‌کنند. سپس در مقایسه‌ای نادرست، بزرگی مکر زنان را بیش‌تر از مکر شیطان دانسته و بر این باورند که خداوند در کتاب‌اش مکر شیطان را ضعیف و مکر زنان را عظیم دانسته است. بر این اساس ایشان نتیجه می‌گیرند که از زنان بیش‌تر از شیطان باید هراسید چراکه زن دام شیطان است و عقل وی با وجود نقصانی که دارد چنان است که مرد با کمال عقل در چنگ کید و مکر وی اسیر و ناتوان است (فراهی هروی، ۱۳۸۴هـ: ۴۳۸). این گونه تفاسیر گویا در نظر دارند این مکر را امری ذاتی در وجود زنان به حساب آورند.

بررسی آیات قرآن حاکی از آن است که خداوند وصف «مکر» را در مورد خود نیز به کار برده است (آل عمران/۵۴؛ قلم/۴۵؛ طارق/۱۶). وصف مکر در آیات قرآن در رابطه با ظالمان نیز آمده است که با توجه به شأن نزول آیات عمدتاً مردان رهبری این مکر و حيله را بر عهده داشته‌اند (آل عمران/۵۴ و ۱۲۰؛ انعام/۱۲۳؛ ابراهیم/۴۶؛ طور/۴۶). حال آیا عقل سلیم می‌تواند با استناد به این آیات به مکر ذاتی مردان پی برد تا استناد به آیه ۲۸ سوره یوسف چنین نتیجه‌ای در بر داشته باشد؟

اکثر مفسران در تفسیر آیه علت چنین وصفی را مطلوب بودن زنان برای مردان می‌دانند که زنان با علم به این مطلوبیت با استفاده از جاذبه‌های جنسی خود چنان رفتار می‌کنند تا دل‌های مردان را مسخر نموده عقل‌شان را بگیرند، و ایشان را از راه‌هایی که خودشان هم متوجه نباشند به سوی خواسته‌های خود بکشانند، و این همان کید و اراده سوء است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱: ۱۹۴). برخی نیز عقیده دارند شرم و حیای زنان مانع می‌شود تا مانند مردان با صراحت احساسات خود را بروز دهند. از این رو از مکر و حيله و راه‌های غیر متعارف استفاده می‌کنند (جعفری، بی‌تا، ج ۵: ۳۷۰). برخی عقیده دارند وجود مکر زنان عکس‌العامل شرایط اجتماعی است. به این دلیل که

زن را در خانه حبس می‌کردند و چون فرصت دستیابی به خواسته‌ها برایش مهیا نبوده، فعالیت ذهنی خود را در بکارگیری وسایل مخفی برای رسیدن به مقاصد خویش مصروف می‌کرده است. اما مردان به علت برخورداری از قدرت و نداشتن محدودیت‌های اجتماعی زنان، دستیابی به خواسته‌ها برای‌شان آسان‌تر بوده است. بر این اساس این مسأله نشانگر حالت طبیعی زن در بکارگرفتن مکر و حيله نیست بلکه جلوه‌ای از نشاط ذهنی و رفتاری زن است (فضل الله، بی‌تا، ج ۱۲: ۲۱۱-۲۱۲).

یافته‌های روان‌شناختی نیز می‌تواند مؤیدی بر تفسیر اخیر باشد. زیرا هنجارهای اجتماعی و نگاه‌های تحقیرآمیز به زنان اکثر مواقع به سرکوب خشم آنان منتهی می‌گردد (هوت، ۱۳۶۱ هـ: ۸۹). سرکوبی خشم در افرادی بروز می‌کند که در موضع ضعف قرار دارند. سرکوبی خشم آثار منفی روان‌شناختی و فیزیولوژیکی فراوانی در پی دارد و فرد را مستعد ابتلا به انواع اختلالات جسمانی و روانی می‌سازد که از میان آن‌ها می‌توان به بیماری‌های قلبی، سوء هاضمه، تسریع تنفس، افسردگی، کاهش اعتماد به نفس، احساس حقارت و کینه‌توزی اشاره کرد (طاهره الهی، ۱۳۹۲ هـ: ۳۳).

سرکوبی خشم می‌تواند به صورت پرخاشگری نمود یابد. پرخاشگری نیروی هیجانی نهفته در انسان است که به تدریج در شخص متراکم و فشرده می‌شود و سرانجام نیاز به تخلیه پیدا می‌کند. بروز پرخاشگری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم صورت می‌گیرد (همان). بررسی‌های روان‌شناختی حاکی از این امر است که ابراز خشم مردان معمولاً به صورت مستقیم و آشکار صورت می‌گیرد، در صورتی که زنان بیش‌تر به حالت غیرمستقیم و پنهانی عصبانیت خود را بروز می‌دهند (بارون کوهن، ۱۳۸۶ هـ: ۲۹). علت این امر ممکن است ناشی از وجود شرم و حیا از بروز خشم و رویارویی مستقیم باشد (جعفری، بی‌تا، ج ۵: ۳۷۰). پرخاشگری غیرمستقیم گاهی با فریب و نیرنگ همراه است، در نتیجه نیاز به مهارت زیادی در پی بردن به افکار و نیات طرف مقابل دارد (هوت، ۱۳۶۱ هـ: ۸۹). مهارت زنان در توجه به جزئیات، آنان را در پی بردن به احساسات افراد از روی حالات چهره و رمزگشایی مکالمات غیر کلامی توانا کرده است. آنان انگیزه‌ها و معانی پشت رفتارها را حس می‌کنند و عکس‌العملی متناسب با آن اتخاذ می‌کنند (خراسانی، ۱۳۸۸ هـ: ۲۶). بر همین اساس زن در صورت بهره‌مند نبودن

از ایمان محکم و تربیت شایسته توانایی دارد به صورت پنهانی اهدافی را پیاده کند که به سود طرف مقابل نباشد. بررسی رویدادهای تاریخی نیز بیانگر این مطلب است که زنان اغلب نقش منفی خود را در تاریخ با نفوذ در روح مردان و به صورت پنهانی انجام داده‌اند (بارون کوهن، ۱۳۸۶هـ: ۲۹).

نقش دیگرخواهی در بروز خودنمایی

انسان از آن جهت که موجودی اجتماعی است همواره علاقه‌مند است موجودیت خود را در برابر جمع به اثبات برساند. علاقه به خود و کمال‌گرایی و احتیاج به کسب محبوبیت در میان هم‌نوعان نیازی فطری در انسان و نشأت گرفته از دو حس خودخواهی و دیگرخواهی است. ارضای این احساس در حد متعادل برای پیشرفت انسان و حفظ کرامت ذاتی او لازم است (صبور اردوبادی، ۱۳۸۵هـ: ۴۲۲-۴۲۵) اما در صورت خروج این حس از مرز تعادل و افراط در آن به خودنمایی تبدیل می‌شود. خودنمایی صفتی بیمارگونه است که به علت خروج از حد اعتدال مورد نکوهش است و انسان‌ها اعم از زن و مرد در معرض ابتلا به این بیماری قرار دارند؛ هر چند ابعاد و دامنه خودنمایی دو جنس با هم تفاوت دارند. خودنمایی و اظهار کمال مردان در ابعادی از قبیل وقار و ابهت و قدرت و ... صورت می‌گیرد و آنچه مبتلا به صنف زنان است جلوه‌گری در جاذبه‌های زنانه و خودآرایی است (نکونام، ۱۳۸۴هـ ج ۱: ۳۰).

از جمله مسائلی که به بروز افراطی این حس دامن می‌زند «احساس حقارت» در فرد است. گاه فرد در درون خود از خلأ شخصیتی رنج می‌برد و برای جبران آن به خودنمایی روی می‌آورد. به عبارتی خودنمایی می‌تواند واکنشی در برابر احساس حقارت واقعی یا خیالی یا جبران آن باشد (برگ، ۱۳۸۶هـ: ۱۴۰).

از اثرات سوء خودنمایی ضعف نفس و عدم رشد شخصیت است که شخص را به نوعی وابستگی روحی گرفتار نموده و او را نیازمند تأیید دیگران قرار می‌دهد. علاوه بر تأثیرات مخرب فردی، هنگامی که تبعات خودنمایی به خصوص جلوه‌گری و خودنمایی جنسی به اجتماع کشیده شود، بحران مهمی را در جوامع پدید می‌آورد که یکی از آن‌ها بحران فروپاشی خانواده‌هاست. عدم امنیت و تعرض به زنان در این مسأله ریشه

دارد (کوهی، ۱۳۸۵ هـ: ۱۶۷). از این روست که قرآن به مسأله خودنمایی بالأخص خودنمایی زنان به طور ویژه‌ای پرداخته و به ابعاد مختلف و آثار روحی و روانی آن توجه داده است (احزاب/۳۲-۳۳؛ نور/۳۱).

غلیان احساسات و عواطف دیگرخواهانه زن از جمله عواملی است که می‌تواند سبب تشدید حس خودنمایی او گردد. این رفتار را می‌توان چنین ریشه‌یابی کرد که دیگرخواهی و علاقه به غیر در وجود زن سبب ایجاد میل به مطلوبیت و تأیید از جانب دیگران می‌گردد. به همین دلیل قضاوت دیگران برای زن اهمیت بسزایی دارد. توجه به غیر در وجود زن سبب می‌شود که او به تدریج دست به کارهایی زند که توجه دیگران را هرچه بیشتر به سوی خود جلب نماید و با دریافت توجهات دیگران، ارضا شود (سادات، ۱۳۶۱ هـ: ۵۲-۵۵). علاوه بر دیگرخواهی تأثیر خودخواهی را نیز نمی‌توان در ایجاد چنین گرایشی انکار کرد. زن ابتدا به قصد ایجاد محبوبیت خود در نظر دیگران به خودآرایی روی می‌آورد، اما به تدریج و ندانسته به صورت یک عارضه روحی به آن مبتلا شده و در دام خودپرستی و خودنمایی گرفتار می‌شود (صبور اردوبادی، ۱۳۸۵ هـ: ۴۰۷-۴۱۰).

احساس حقارت نیز در تشدید این امر مؤثر است چراکه علاوه بر تأثیر هنجارهای اجتماعی در بروز احساس حقارت در زنان، حس دیگرخواهی نیز از عواملی است که می‌تواند سبب شود زن گاه خود را از دیگران کم‌تر ببیند. توجه خاص زن به دیگران، زمانی که وی از تزکیه و تهذیب بی‌بهره باشد، سبب می‌شود تا در برابر آن‌ها در خود احساس حقارت نموده و با وجود و حضور آن‌ها، نتواند توجه دیگران را به سوی خود جلب نماید (سادات، ۱۳۶۱ هـ: ۵۵). برآیند مجموع چنین گرایش‌های فطری‌ای در وجود زن، میل به خودنمایی را در وجود او دوچندان می‌کند. خداوند متعال برای حفظ تعادل میل خودنمایی در زنان و ارضای صحیح آن، حیا و عفت را به عنوان سپری در برابر این گرایش قرار داده است. زن اگرچه دوست دارد مورد توجه قرار گیرد اما حیا و عفت او هیچ‌گاه به او اجازه نمی‌دهد از هر طریقی به ارضای این میل بپردازد (لومبروزو، ۱۳۶۲ هـ: ۴۵-۴۶). از این رو بالا رفتن عزت نفس و اعتماد به نفس در حفظ عفت فطری زن مؤثر است و سبب می‌شود تا زن قدر و ارزش خود را دریابد و از

طریق ارضای مثبت عواطف دیگرخواهانه و آراسته شدن به لباس تقوی محبوب دل‌ها گردد. هم‌چنین حضور مثبت زنان در صحنه‌های اجتماعی و محدود کردن خودنمایی به محیط خانه و مجالس زنانه از خودنمایی دروغین و جنسی آنان می‌کاهد و سبب می‌شود از طریق صحیح به ارضای این حس بپردازند (صبور اردوبادی، ۱۳۸۵هـ: ۴۶۳-۴۶۹؛ کوهی، ۱۳۸۵هـ: ۷۴).

قرآن کریم با علم به چنین ویژگی‌هایی زنان را مخاطب اصلی «نهی از خودنمایی» قلمداد کرده است (احزاب/۳۳) و این خطاب بدین معنا نیست که مردان مبرا از چنین رفتار مذمومی‌اند؛ بلکه گویای این نکته است که سهم زن و مرد در شکل‌گیری گناهان با یکدیگر متفاوت است (جوادی آملی، ۱۳۸۹هـ، ج ۱۱: ۲۷۵)؛ چنین بیانی در آیات قرآن بی‌سابقه نیست.

در آیاتی از قرآن کریم هنگامی که در مورد سارق صحبت می‌کند مطلب را چنین عنوان می‌کند:

﴿وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾
(مائده/۳۸)

اما زمانی که در مورد زناکار صحبت می‌کند مطلب را به این صورت بیان کرده و می‌فرماید:

﴿الرَّائِيَةُ وَالرَّائِيَةُ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ...﴾ (نور/۲)

مفسران علت چنین تفاوتی را در تقدم و تأخر زن و مرد، چنین توجیه می‌کنند که چون در سرقت قدرت بدنی و چالاکی بدن اهمیت دارد مردان بیش‌تر از زنان به آن گرایش دارند. یا به عبارتی، این امر از مرد آغاز و بعد به زن سرایت می‌کند، اما در مورد گناهانی مانند زنا که لطافت بدنی و زیبایی در آن اهمیت دارد از زن آغاز و به مرد سرایت می‌کند.

از این رو در آیات سرقت ابتدا نام مرد و در آیات زنا ابتدا نام زن را می‌برد. در این آیه نیز با وجود این که تبرج و خونمایی از هر کسی صورت گیرد خطا و نشان از عدم سلامت روحی او دارد، زنان بیش‌تر قربانی این صفت نکوهیده هستند و بنابراین آنان را مخاطب این خطاب قرار داده است (مکارم، ۱۳۷۴هـ ج ۴: ۳۷۴).

نتیجه بحث

تأمل در آیات قرآن گویای اشارات روان‌شناختی در بستر آیات است. پیوند مطالب روان‌شناختی با یافته‌های تفسیری افق وسیع‌تری از درک مفهوم آیات پیش روی محقق می‌گشاید و برخی باورهای نادرست را که توسط معدودی از مفسران بدان‌ها دامن زده شده اصلاح می‌کند.

دیگرخواهی فطری زن او را وا می‌دارد تا با نهایت مهربانی و از خودگذشتگی فرزند را در هم بطن خود و هم در دامان پرمهر خود حمل کند و به رشد او اهتمام داشته باشد. بر این اساس آیات قرآن زن را به مزرعه انسانیت تشبیه می‌کند و بقای نوع انسان را مرهون ایثار و فداکاری زن می‌داند. در آیات قرآن مادران، بسیار زیبا و در اوج دیگرخواهی به تصویر کشیده شده‌اند. دیگرخواهی مادر مریم سلام الله علیها چنان است که فرزندی را که عمری در انتظار تولدش بوده امانتی از ناحیه خداوند دانسته و برای خدمت به خداوند نذر می‌کند. مادر موسی علیه السلام در نهایت دیگرخواهی غم فراق فرزند را می‌پذیرد تا او در قصر فرعون برای به دوش کشیدن بار رسالت آماده گردد. قرآن در آیات مربوط به ملکه سبا توانمندی زنان را در بعد مدیریتی ترسیم می‌کند و مدیر موفق را مدیری می‌داند که رفتاری حاکی از ملایمت و تدبیر و به دور از خود محوری داشته باشد. تسلیم آگاهانه ملکه سبا به سلیمان نبی و انعطاف او در برابر حق می‌تواند گویای روح خداجویانه زن باشد. زیرا دیگرخواهی زنان لجاجت و تکبر آنان را کاهش داده و تسلیم‌پذیری آنان را در برابر واقعیت افزایش می‌دهد.

اشاره به مکر زنان که توسط عزیز مصر بیان شد و دستاویزی برای مفسران قرار گرفته تا به تحقیر زنان پردازند مطلب دیگری است که رابطه مکر با مؤلفه‌هایی مانند پرخاشگری غیر مستقیم زنان در اثر شرم و حیا را اثبات نموده و ارتباط آن با ذات زنانه را نفی می‌کند.

معرفی حیض به عنوان «اذی» در قرآن توصیفی است که از ابعاد مختلف قابل بررسی است در حالی که توجه به ابعاد روان‌شناختی آن در تفاسیر بسیار کم‌رنگ است. تغییرات منظمی که در ایام قاعدگی زن روی می‌دهد او را به لحاظ شخصیتی آشفته و بی‌ثبات می‌گرداند. نهی خودنمایی زنان مورد دیگری است که پیوند آن با مؤلفه‌های

روانشناختی مشهود است. غلیان عواطف دیگرخواهانه زن از جمله عواملی است که می‌تواند سبب تشدید حس خودنمایی زن گردد. بنابراین زمانی که محقق با دید روان‌شناختی به تفسیر آیات بنگرد در می‌یابد که اگر آیات مرد را قوّم یا مجاز به ازدواج با زنان اهل کتاب می‌داند و در عین حال زنان را منع می‌کند به دلیل برتر دانستن مرد و فروتر دانستن زن نیست. خداوند با علم به نیازهای فیزیولوژیکی و روانی زن و مرد احکام و آیات را صادر کرده است و ساحت قرآن از نگاه تحقیرآمیز به انسان‌ها منزّه است؛ تنها معیار ارزشگذاری نزد خداوند تقوای الهی است.

کتابنامه

- ابن عاشور، محمد طاهر. بی تا، **التحریر والتنوير**، بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- ابن عجیبه، احمد. ۱۴۱۹ق، **تفسیر بحر المذید فی تفسیر القرآن المجید**، قاهره: ناشر حسن عباس زکی.
- امین، سیده نصرت. ۱۳۶۱، **مخزن العرفان در تفسیر القرآن**، تهران: نهضت زنان مسلمان.
- بارون کوهن، سیمون. ۱۳۸۶، **مرد کیست؟ زن کیست؟**، ترجمه گیسو ناصری، چاپ دوم، تهران: انتشارات پل.
- برگ، اتوکلاین، ۱۳۸۶، **روان شناسی اجتماعی**، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: علمی فرهنگی.
- پاک نژاد، رضا. ۱۳۶۵، **اولین دانشگاه و آخرین پیامبر**، یزد: بنیاد فرهنگی شهید پاک نژاد.
- پیز، آلن و باربارا. ۱۳۹۱، **چرا مردها گوش نمی دهند و زنان نمی توانند نقشه بخوانند**، ترجمه سمیه موحدی فرد، چاپ اول، تهران: مبین اندیشه.
- جعفری، یعقوب. بی تا، **تفسیر کوثر**، جلد ۵، بی جا: نرم افزار نور.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۷، **زن در آینه جمال و جلال**، چاپ هجدهم، قم: نشر اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹، **تفسیر تسنیم**، ج ۱۱، چاپ دوم، قم: نشر اسرا.
- خامنه‌ای، سید محمد. ۱۳۸۷، **فلسفه زن بودن**، چاپ دوم، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- خراسانی، هما. ۱۳۸۸، **تفاوت‌های زن و مرد**، تهران: انتشارات پلیکان.
- رفیعی، جعفر. ۱۳۸۴، **زن ربحانه الهی**، چاپ اول، قم: مؤسسه یاران قائم.
- سادات، محمد علی. ۱۳۶۱، **خصوصیات روح زن**، چاپ سوم، تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
- صبور اردوبادی، احمد. ۱۳۸۵، **قداست ذاتی در زن**، چاپ اول، تهران: انتشارات رسالت قلم.
- طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل. ۱۳۷۲، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- غزالی، ابوحامد محمد. ۱۳۸۶، **احیاء علوم الدین**، ترجمه حسین خدیو جم، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- فراهی هروی (ملا مسکین)، معین‌الدین. ۱۳۸۴، **تفسیر حدائق الحقائق**، ترجمه سید جعفر سجادی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فضل الله، محمد حسین. بی تا، **من وحی القرآن**، بیروت: دار الملائک للطباعة والنشر.
- قزائتی، محسن. ۱۳۸۳، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کاشفی سبزواری، حسین. ۱۳۶۹، **مواهب علیه**، تهران: انتشارات اقبال.

- کوهی، محمد رضا. ۱۳۸۵، آسیب‌شناسی شخصیت و محبوبیت زن، چاپ چهارم، قم: انتشارات اتقان.
- گرت، تونی. ۱۳۸۵، زن بودن؛ به زنانگی خود تحقق ببخشید، ترجمه فروزان گنجی‌زاده، چاپ دوم، تهران: نشر ورجاوند.
- گنابادی، سلطان محمد. ۱۳۷۲، بیان السعادة فی مقامات العبادة، ترجمه حشمت الله ریاضی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
- لومبروزو، جینا. ۱۳۶۲، روح زن، ترجمه پری حسام شهرئیس، چاپ چهارم، انتشارات دانش. مصطفوی، حسن. ۱۳۸۰، تفسیر روشن، تهران: مرکز نشر کتاب.
- مصطفوی، حسن. بی‌تا، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العلمیة- مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- المطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد. ۱۳۸۸، ویژگی‌های بلاغی بیان قرآنی، ترجمه سید حسین سیدی، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
- منجم، رؤیا. ۱۳۸۴، زن- مادر، چاپ دوم، تهران: نشر کتاب مس.
- موسوی خمینی، روح الله. بی‌تا، شرح چهل حدیث، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، نرم افزار نور.
- میرزایی، فاطمه. ۱۳۸۹، آیین زندگی (همسرداری)، چاپ اول، قم: انتشارات فکرآوران.
- نخجوانی، نعمت الله. ۱۹۹۹م، الفواتح الالهیة والمفاتیح الغیبیة، مصر: داررکابی.
- نکونام، محمدرضا. ۱۳۸۴، زن مظلوم همیشه تاریخ، قم: ظهور شفق.
- نوابی نژاد، شکوه. ۱۳۷۸، روان‌شناسی زن، چاپ اول، تهران: بانو.
- هاید، ژانت. ۱۳۷۷، روان‌شناسی زنان، ترجمه بهزاد رحمتی، چاپ اول، تهران: انتشارات لادن.
- هوت، کورین. ۱۳۶۱، آیا به راستی مردان از زنان برترند؟، ترجمه محمود بهزاد، چاپ اول، تهران: نشر سایه.
- یونگ، کارل گوستاو. ۱۳۷۷، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، چاپ اول، تهران: دیبا.

مقالات

- الهی، طاهره. ۱۳۹۲، «خشم در نگاه اسلام و روان‌شناسی؛ کظم غیظ چیست؟ سرکوب خشم یا مدیریت آن»، نشریه معرفت ویژه‌نامه روان‌شناسی، سال بیست و دوم، شماره ۱۹۲، صص ۳۱-۴۶.

منصوری لاریجانی، اسماعیل. ۱۳۷۹، «زن در مفاهیم بدیع قرآنی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۶، ۷، صفحه - از ۴۲ تا ۴۷.